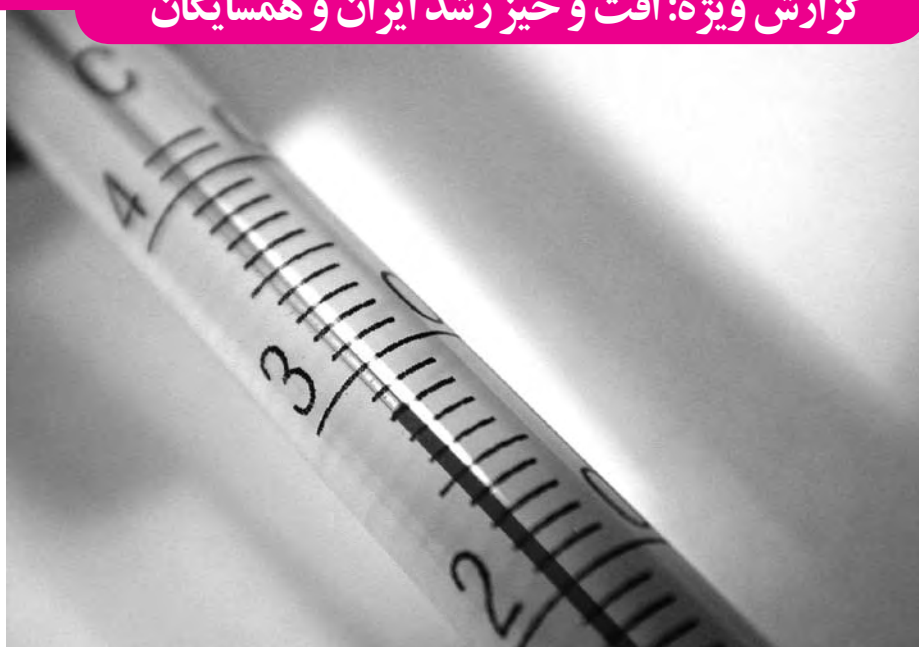


در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۴۶ اتحاد متوازن برای توسعه متوازن

۴۸ جیب خالی رشد



رشد در آینه آمار

دمای بیمار!

قَلت رشد اقتصادی ایران، از ناتوانی و ضعف اقتصاد کشور حکایت می‌کند.

روند نزولی رشد اقتصادی کشور نشان از اتفاقات ناخوشایند در حوزه اقتصاد ایران دارد. این متغیر که همانند دماسنج عمل می‌کند، به ما می‌گوید اقتصاد بیمار است و نیازمند اصلاحات اساسی است. ارتقای رشد اقتصادی به مثابه سلامت و حرکت اقتصاد در کانال‌های متعارف آن است و در نقطه عکس، شرایط کنونی کشور ما نشان می‌دهند که یک جای کار می‌لنگد.

آمار حکایت از فاصله عمیقی دارد که ما از اهداف برنامه چهارم اقتصادی (رشد ۸/۸ درصدی در پایان سال برنامه) گرفته‌ایم. بانک جهانی نرخ رشد اقتصادی ایران را در سال ۲۰۰۹ در حدود ۲/۳ درصد برآورد کرده و معتقد است این نرخ در سال آینده شمسی به ۳/۳ درصد خواهد رسید. البته هیأت چشم‌انداز ماهنامه به اندازه این مرجع بین‌المللی به این شاخص خوش‌بین نیست و در آخرین پیش‌بینی خود، نرخ رشد کشورمان را برای سال ۸۹ معادل ۱/۲۳ درصد برآورد کرده که حتی در مقایسه با برآورد ۳ ماه قبل هیأت مذکور، با ۰/۳۷ واحد درصد کاهش مواجه است.

رقابت رشد در منطقه

کشور	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
بحرین	۶/۷	۸/۴	۶/۳	۱/۳	۴/۰	۴/۵
ایران	۵/۸	۷/۸	۱/۰	۱/۱	۱/۶	۳/۰
عراق	۶/۲	۱/۵	۹/۵	۴/۲	۲/۶	۱۱/۵
کویت	۵/۳	۵/۴	۵/۵	-۴/۸	۲/۳	۴/۴
عمان	۵/۵	۶/۸	۱۲/۸	۳/۶	۴/۷	۴/۷
قطر	۱۸/۶	۲۶/۸	۲۵/۴	۸/۶	۱۶/۰	۱۸/۶
عربستان	۲/۳	۲/۰	۲/۴	۰/۶	۳/۴	۴/۵
امارات	۷/۸	۶/۱	۵/۱	-۲/۵	۲/۴	۳/۲
افغانستان	۸/۲	۱۴/۲	۳/۴	۲۲/۵	۸/۹	۸/۶
آذربایجان	۳۴/۵	۲۵/۰	۱۰/۸	۹/۳	۴/۳	۱/۸
ترکمنستان	۱۱/۴	۱۱/۶	۱۰/۵	۶/۱	۹/۴	۱۱/۵
پاکستان	۶/۱	۵/۶	۱/۶	۳/۴	۴/۸	۲/۸

با ۶/۶ درصد رشد به ۴۶۷/۹ تریلیون ریال در سال ۸۵ رسیده است. رقم مذکور در سال ۸۶ با رشدی ۶/۷ درصدی به ۴۹۹/۱ تریلیون ریال افزایش یافته است. از سال ۸۶ به بعد، روند رشد اقتصادی معکوس شده و این متغیر، به یک باره با آفتی ۴/۴ واحد درصدی، به عدد ۲/۳ درصد تنزل یافته است. درست از همین زمان است که اعلام نرخ رشد اقتصادی کشور توسط بانک مرکزی و دولت متوقف شده و از آن به بعد، اطلاع موثقی از نحوه عملکرد دماسنج اقتصاد ایران در دست نیست. اما نتیجه رصد اوضاع اقتصادی کشور توسط کارشناسان واحد تحقیقات و بررسی‌های آماری واحد آمار ماهنامه، برآوردی ۱/۵ درصدی را برای سال ۸۸ در نظر گرفته که با این وضعیت، تنها باید گفت "رشد اقتصادی کشور را دریابید!"

با آمار فوق‌الذکر، در حال حاضر پیش‌بینی می‌شود GDP ایران در سال جاری ۵۲۶/۸ تریلیون ریال باشد که این رقم در مقایسه با ارقام منطقه رقم قابل قبولی است، اما بخش قابل توجهی از آن، متأثر از درآمدهای نفتی می‌باشد. با مقایسه کشورمان از بُعد رشد اقتصادی با کشورهای منطقه درمی‌یابیم که در سال ۲۰۱۰، وضعیت اکثر کشورهای منطقه از ما بهتر بوده و رشد اقتصادی ما در قیاس با کشورهای مذکور پایین است. در این بین، کشورهای قطر (۱۶ درصد)، عمان (۴/۷ درصد)، بحرین (۴ درصد)، عربستان (۳/۴ درصد)، عراق (۲/۶ درصد)، امارات (۲/۴ درصد) و کویت (۲/۳ درصد) از رشد اقتصادی بالاتری نسبت به ما برخوردارند.

در این میان، نباید نقش تحریم‌های اقتصادی را نادیده گرفت. کشورهای منطقه در شرایطی از رشد اقتصادی بالاتر بهره‌مندند که درآمدهای نفتی را بدون مشکلات تحریمی به اقتصاد خود تزریق کرده‌اند و از این طریق توانسته‌اند در شرایطی متفاوت با ایران، وضعیت مناسب‌تری را کسب کنند. به علاوه آن که کشور ما در مقایسه با این کشورها صنعتی‌تر است، اما آنها صرفاً خام‌فروش نفت‌اند. کشورمان

خود، نرخ رشد کشورمان را برای سال ۸۹ معادل ۱/۲۳ درصد برآورد کرده که حتی در مقایسه با برآورد ۳ ماه قبل هیأت مذکور، با ۰/۳۷ واحد درصد کاهش مواجه است. با مطالعه روند رشد اقتصادی ایران از سال ۸۴ تاکنون و مقایسه آن با وضعیت اقتصادی کشور و شواهد موجود می‌توان به این نتیجه رسید که ظرفیت‌های فراوان اقتصادی ما بلا استفاده مانده‌اند. در سال ۸۴ محصول ناخالص داخلی (GDP) کشور رقمی در حدود ۴۳۸/۹ تریلیون ریال بوده که این رقم

توانسته در مقایسه با سال ۸۴ میزان صادرات غیرنفتی خود را تا دو برابر افزایش دهد و از رقم ۱۰/۵۵ میلیارد دلار به حدود ۲۱/۷۹ میلیارد دلار برساند که این جهش صادرات غیرنفتی، اگر چه هنوز با شأن و منزلت ایران فرسنگ‌ها فاصله دارد، اما نشان از تلاش تولید کنندگان و سیاست‌های دولت در افزایش توان صادراتی کشور دارد.

مسئله مهم دیگر آن که جهان در حال خروج از بحران است و پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از رشد ۴/۲ درصدی تولیدات در جهان حکایت می‌کند. در این بین، منطقه خاورمیانه بر اساس پیش‌بینی‌ها رشد ۴/۸ درصدی را در سال ۲۰۱۱ تجربه خواهد کرد. این بدان معنی است که در سال جاری میلادی، رشد کشور ما که از کانال نفت به رشد اقتصادی دنیا گره خورده است، افزایش خواهد یافت. البته ای کاش رشد ما بر اصول پایداری چون درآمدهای ناشی از صادرات غیرنفتی استوار گردد، نه فروش نفت خام، اما در این برهه که به خودکفایی و بی‌نیازی از نفت نرسیده‌ایم، این می‌تواند خبر خوشی باشد - مخصوصاً آن که اخیراً آپک، قیمت سال جاری میلادی نفت خام را در حدود یکصد دلار پیش‌بینی کرده است.

از شاخص‌هایی است که در برخی متغیرها روند عکس را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، باید به این نکته اذعان داشت که نفت منجر به کاهش رشد اقتصادی نشده است، بلکه تنها نتوانسته عوامل دیگری را که بر اُفت رشد اقتصادی کشورمان مؤثر بوده‌اند مهار کند. به عنوان مثال، اثرات تحریم‌ها یا سیاست خارجی کشور که به برخی برخوردهای خارجی‌مان منجر شده‌اند و در رشد اقتصادی ما تبلور یافته‌اند، می‌توانستند به کمک درآمدهای نفتی مهار شوند، اما برعکس با عدم مدیریت صحیح منابع ارزی ناشی از درآمدهای نفتی، سایر شاخص‌ها مانند تورم تشدید شده‌اند.

واقعیت آن است که رشد اقتصادی ما که ریشه در ثروت‌های ناشناخته‌مان دارد از نمره خوبی برخوردار نیست و لازم است با شناسایی نقاط قوت و ضعف خود به ارایه راهکارهایی پرداخت که ضمن تقویت پتانسیل‌های اقتصاد ایران، مشکلات را به حداقل ممکن برساند و زمینه را برای رشد و اعتلای ایران عزیز فراهم آورد. ■

قابل ملاحظه شرایط اقتصادی کشور دارد.

• درآمدهای نفتی فزاینده، بارکود مزمن اقتصادی منافات دارند. در این خصوص، اگر چه درآمدهای نفتی کشور افزایش یافته‌اند، اما رشد تولیدات صنعتی در ایران وضعیت چندان مناسبی ندارد. البته کشور ما در مقایسه با گذشته در این زمینه به موفقیت‌های قابل ذکری دست یافته، اما این توفیقات به تناسب افزایش قیمت نفت نمی‌باشند.

• رشد شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور از رقم ۹/۱ درصد در سال ۸۴ به ۴ درصد در سال ۸۹ رسیده و اتفاقاً در سال ۸۷ که اوج قیمت نفت را شاهد بوده‌ایم، این روند شروع به کاهش کرده است. این موضوع حکایت از روند معکوس توسعه نفتی و غیرنفتی ما دارد.

با توجه به این مطالب باید به این نکته اشاره کرد که افزایش قیمت نفت به رشد اقتصادی ما کمکی نکرده و برعکس در بسیاری از متغیرها - که موضوع این مقاله نیستند - اثرات منفی بر جای گذاشته است. رشد اقتصادی

همه بخش‌ها را دریابیم

اتحاد متوازن برای توسعه متوازن

نفت و رشد

مهمترین موضوعاتی که در زمینه رابطه رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی می‌توان به آنها اشاره کرد موارد زیر می‌باشند:

• افزایش قیمت نفت، بالطبع باید به افزایش رشد اقتصادی بی‌انجام، اما برعکس در سال ۸۷ که قیمت نفت به شدت افزایش یافت و به بیش‌که‌ای ۱۴۰ دلار هم رسید، رشد اقتصادی ما بیش از همیشه اُفت کرد. نرخ رشد ۲/۳ درصدی این سال، اولین رقم پایین رشد اقتصادی کشور از سال ۷۵ تاکنون است. البته این را هم باید بیان کرد که بحران جهانی و سقوط قیمت نفت در اواسط مرداد ماه، تأثیر زیادی در این نزول اقتصادی داشته‌اند.

• درآمدهای نفتی نباید به مصرف هزینه‌های جاری برسند. آمارها مبین این واقعیت‌اند که در دوره‌هایی که درآمدهای نفتی در کشور ما افزایش یافته‌اند، هزینه‌های جاری روند صعودی را در پیش گرفته‌اند.

• درآمدهای نفتی که به ریال تبدیل شده و به جامعه تزریق می‌شوند، در حکم سم برای اقتصاد کشور تلقی شده و به افزایش تورم دامن می‌زنند. برخی طرح‌های اقتصادی دولت‌ها از محل افزایش درآمدهای نفتی به افزایش نقدینگی در کشور منجر شده‌اند و بخش‌های مختلفی را مانند مسکن دستخوش رشد‌های کاذب نموده‌اند.

• درآمدهای نفتی فرصت مناسبی برای افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلف به شمار می‌روند. در سال‌های افزایش قیمت نفت، ذخایر ارزی کشور افزایش قابل توجه و متناسبی را تجربه نکرده‌اند و در عین حال، رشد بیکاری را نیز شاهد بوده‌ایم که این نشان از عدم تغییر

همه بخش‌های اقتصاد کشور با ظرفیت‌های خالی مواجه‌اند که باید شناخته شده و به شکوفایی برسند.

بخش خدمات بیشترین سهم را از محصول ناخالص داخلی (GDP) در اختیار دارد. این سهم در حدود ۴۵ درصد کل اقتصاد کشور است. سهم نفت نیز در ۴ سال پایانی برنامه چهارم توسعه با ۴/۵ واحد درصد افزایش به ۳۰ درصد رسیده است. البته باید به این نکته اذعان داشت که کاهش سهم بخش‌های مختلف



اقتصاد ایران در سال‌های اخیر و چه بسا از ابتدای پیدایش نفت، کارایی خود را بر پایه درآمدهای نفتی استوار کرده است. در دو سال منتهی به بحران ۲۰۰۸ که مصرف نفت در کشورهای صنعتی دنیا کاهش یافت، اُفت قیمت نفت به کاهش ذخایر ارزی و رکود اقتصادی در بخش‌های مختلف به دلیل کاهش میزان سرمایه‌گذاری‌ها منجر شد.

مشکلات تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی و درگیری‌های سیستم بانکی در کشور ما، موانعی را در مسیر توسعه اقتصادی پدید آورده‌اند. به اعتقاد ما، مشکل اساسی در اقتصاد ایران آن است که در هر شرایطی که در آن واقع‌ایم، بخشی از تحلیل‌ها باید از کانال نفت بگذرند. این امر، نتیجه نفتی بودن بیش از حد ابزارهای توسعه اقتصادی کشور است. نکته مهم و فراموش شده این معادله، تقویت حضور سایر بخش‌های اقتصادی و بررسی راهکارهای اثر گذاری این بخش‌ها در ارتقای رشد اقتصادی کشور می‌باشد. با نگاهی به آمار و ارقام درمی‌یابیم که در اقتصاد ایران،

اقتصادی از GDP، در نتیجه بحران جهانی و رکود در بخش‌های مختلف و همزمانی این امر با تشدید تحریم‌ها، توانسته سهم بقیه بخش‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد. در حال حاضر، سهم بخش نفت و گاز در مقایسه با سال ۸۳ و پیش از آن افزایش یافته است. سهم بخش کشاورزی کشور نیز کاهش یافته و با توجه به خشکسالی‌های اخیر، این سهم به ۹ درصد رسیده است. گفتنی است در برنامه سوم توسعه، کشاورزی در حدود ۱۳ درصد اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده بود.

در این بین، سهم بخش صنایع که شامل صنعت و معدن، برق، گاز و آب می‌شود، دستخوش کاهش شده و